



و... به باشگاه ورزشی در خوربات تجهیزاتی کامل نیاز دارد. از جمله تشک تا تامی استاندارد که بارها بامستولان مطرح و از سوی آنان وعده های شیرینی داده شد. اما در عمل کاری انجام نگرفت و وعده هادر حد حرف ماند.

**آقایالیاس:** به استعدادها و ظرفیت های محله فردوسی اشاره کرد. من می خواهم از کمبود های ورزشی زادگاهم گوارشک بگویم. از گود کشتی روستا که برای خیلی از مردم روستا و ما جوان ترها پرخاطره است. اما شش سالی می شود که تقریباً تعطیل است. نبود باشگاه مختص جودو و یک خلأ است و ورزشکاران این رشته از جمله خود من مجبور به رفتن به باشگاه هایی بیرون از بافت روستا یا حتی محله فردوسی هستیم.

**اگر یک روز در این ورزش به مرحله ای برسید که نامتان در دنیای جودو پراوازه شود، آیا در محله فردوسی می مانید؟**

**الیاس:** بدون تردید اگر حتی قهرمان جهان شوم و در جودو و ورزش به هرچه آرزویم است. برسم باز هم اولویت اول و آخرم برای زندگی و کار. زادگاهم خواهد بود. این خطه پهلووان پرور، همیشه برای من عزیز است و خواهد بود.

**سبحان:** من هم زادگاهم و مردمش را دوست دارم؛ مردمانی اصیل، بامرام و خونگرم که نعمت هستند. تا الان هرچه دارم از خانواده و مردمی است که با محبت و تشویق ها به حضور پررنگ تر در میادین ورزشی دلگرم می کنند.

**تا الان در چند مسابقه برون مرزی شرکت کرده و چه تعداد مدال داشته اید؟**

**الیاس:** من از سیزده سالگی در رده های نونهالان، نوجوانان و جوانان عضو تیم ملی بوده ام و الان هم در تیم بزرگ سالان عضو تیم هستم. حساب سفرهای برون مرزی و مدال ها از دستم خارج است. راستش این مدال ها و قهرمانی ها زیاد به چشم من نمی آید؛ آرزوی قلبی من، حضور در المپیک و قهرمانی در آن سطح است.

**سبحان:** حضور در چهار کشور بحرین، کره شمالی، تونس و مراکش و کسب در مجموع چهارده مدال طلا، نقره و برنز حاصل سه سال حضورم در مسابقات رده نوجوانان است.

**از آخرین سفرتان، خاطره ای تعریف کنید.**

**الیاس:** من و سبحان هر دو در وزن منفی ۸۱ کیلوگرم در رده بزرگ سالان و نوجوانان در مسابقات کاپ آفریقای ۲۰۲۵ شرکت می کردیم. من شش هفت کیلویی اضافه وزن داشتم. طبق جدول بازی هادوروز وقت داشتم برای کاهش وزن. کم خوری و ورزش سنگین در باشگاه هتل اقامت کمی سخت بود. استرس زیادی داشتم. اما بالاخره توانستم شب قبل مسابقه، وزنم را به ۸۰ کیلو برسانم.

**سبحان:** خاطره من هم به همان کنترل وزنم برمی گردد. موقع رفتن، تیم بزرگ سالان دو قسمت شده بودند؛ گروه اول تیم بزرگ سالان جلوتر از ما عازم شدند. الیاس با گروه نوجوانان افتاده بود و ما با هم بودیم. الیاس که هم محله ای بود، تجربه اش برای حضور در مسابقات بیشتر بود. او حسابی حواسش به من بود که خورد و خوراکم در مسیر سفر کنترل شود؛ چون اولین مسابقه فردای صبح رسیدنم برگزار می شد و فرصتی برای کم کردن وزن نبود.

**شیرین ترین خاطره مشترکتان از رقابت های کاپ آفریقا چیست؟**

**الیاس:** این خاطره، نه فقط برای ما دونفر، که برای کل تیم اعزامی و مربیان و همراهان، شیرین بود؛ خاطره دست پر برگشتن بازیکنان اعزامی در این رقابت ها. که آن هم بعد چهار سال رکود و تعلیق تیم ملی جودوی کشورمان و دوری از این مسابقات به دست آمد.

**چرا رشته کشتی باچوخه را که ورزشی اصیل میان خراسانی هاست، ادامه ندادید؟**

**الیاس:** کشتی باچوخه، ورزش خاص مردم خراسان به ویژه خراسان رضوی و شمالی است. این ورزش ریشه ای کهن دارد و در محله ما، فردوسی، یکی از تفریحات مردان از قدیم تا همین الان، جمع شدن در گود کشتی محله و برپایی مسابقه و حریف طلبیدن در روز جمعه است. اشکال این ورزش بومی، محلی بودن آن است و بالاترین سطح حضور رقابت در آن، کشوری است و تمام.

**سبحان:** فنون ورزش کشتی باچوخه و جودو بسیار به هم شبیه است. اما متأسفانه در سطح بین المللی شناخته شده نیست. در حالی که در ورزش جودو که شباهت بسیار با کشتی باچوخه دارد، یک جودوکار می تواند تا مرحله المپیک در میادین رقابت جهانی حاضر شود.

**نخستین حضور جدی تان در مسابقات جودو از چه سنی و در چه رده ای بود؟**

**الیاس:** اولین مسابقه جدی ام در رده سنی نونهالان در وزن ۲۴ کیلوگرم بود. در آن مسابقات تا مرحله فینال، همه حریف ها را پشت سر گذاشتم اما در مرحله فینال باختم. در آن رقابت با اینکه همه دوست و آشناها از جمله مربی که پدرم بود، برای رسیدن به مرحله فینال خوشحال بودند، برای خودم، اولین باخت خیلی سنگین بود و اشک می ریختم.

**سبحان:** نخستین مسابقه جدی که در آن شرکت کردم، سیزده ساله بودم. مسابقات بین باشگاهی بود و در سالن شهید اصغر دهقان محله شهید آوینی برگزار می شد. اولین حضورم در مسابقات بود و استرس داشتم. اما بعد از اولین برد، چنان اعتماد به نفسی پیدا کردم که یکی یکی بر حریف ها پیروز شدم و مجوز شرکت در مسابقات کشوری را دریافت کردم.

**از سختی های ورزش حرفه ای و قهرمانی بگویید.**

**الیاس:** کسی که می خواهد ورزش حرفه ای و قهرمانی را دنبال کرده و برای خودش، خانواده و کشورش افتخار کسب کند، از روال زندگی عادی خارج می شود. باشگاه، حضور در مسابقات، اردوهای سنگین و... روال زندگی یک ورزشکار را از شکل عادی خارج می کند. الان من و سبحان بعد از مسابقات کاپ آفریقا برای مدت کوتاهی به زادگاهمان برگشته ایم و دو روز دیگر باید برای حضور در تیم ملی به تهران برویم. این اردوها حدود ۲۵ روز طول می کشد. ما یاداراد و هستیم یا برای حضور در مسابقات در سفر. حتی وقتی برای استراحت به شهرمان برمی گردیم، از تمرین و باشگاه نباید غافل شویم. با این توصیفات، می بینید برای داشتن یک زندگی عادی و درس و کار و... زمان چندانی نمی ماند. زندگی ما خلاصه شده است در تمرین و مسابقه و آمادگی جسمانی.

**سبحان:** شاید بتوان گفت بزرگ ترین ضربه ای که این حضور حرفه ای به زندگی یک ورزشکار می زند، علاوه بر مواردی که آقایالیاس گفت، عقب ماندگی های درسی است که گاه جبران ناپذیر است. برای مثال، من که در سال یازدهم تحصیلی درس می خوانم، تا این فصل از سال، فقط چند روز توانسته ام سر کلاس حاضر شوم؛ چون یادار مسابقه بوده ام یا در اردوی تیم ملی. اما سعی می کنم با مرور کتاب ها به صورت متفرقه، امتحانات را پشت سر بگذارم.

**محله فردوسی به لحاظ امکانات، ظرفیت ها و استعداد های ورزشی، در چه جایگاهی قرار دارد؟**

**الیاس:** منطقه شاهنامه پهلووان پرور است و استعداد های ورزشی بسیاری در هر سنی دارد. در سنین بالاتر، کشتی گیران باچوخه و در رده جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان، قهرمانان رشته های مختلف رزمی و ورزشی بسیارند. گود کشتی فردوسی، ظرفیتی خوب برای محله است. اما محله فردوسی با توجه به داشتن استعداد های فراوان در رشته های کشتی، جودو

